

اقتصاد

هنر و ادبیات

honar@etemadnewspaper.ir

آن سوی آب ها

فهرست اولیه نامزدهای جایزه رمان گاردین معرفی شد

فهرست نامزدهای اولیه جایزه رمان «گاردین» معرفی شدند. در فهرست نامزدهای اولیه جایزه گاردین یا «این جایزه بوکر نیست» هفتاد رمان از ناشران مختلف به چشم می خورد.

نویسندگان انگلیسی زبان از سراسر جهان در این فهرست حضور دارند و موضوعات کتاب‌های‌شان طیف وسیعی را دربرمی گیرد. با راه یافتن شش رمان به مرحله بعدی برای دستیابی به جایزه گاردین، کیفیت این رمان‌ها مشخص می شود.

رمان‌های «چرتکه» نوشته لوییس آرماند، «خدا در ویرانه» به قلم کیت اتکینسون، «زور» نوشته ریچارد برید، «هویای واقعی» به قلم لیم براون، «مبارزه طولانی» اثر امیلی بولاک، «رام کردن شیر» به قلم جونا کمپبل، «شیشه» نوشته الکس کرستوف، «جمجمه سبز در خشان» به قلم گابون کوریت، «شکبه شورشی‌ها» به قلم پیتر کولمن، «سرزمین آرزوها» نوشته میکائیل کرامی، شرم به قلم ملین فیین، آقای مک و من نوشته استر فروپید، محدودیت‌های جهان به قلم اندرو رایموند درین، گرگ مرزی نوشته سسا هال، آنا تومی مصنوعی نوشته کت گوردن، «تای نفی من و تو» به قلم جیمز نات، «روح ما در شب» نوشته کنت هاروف، «یک سوم از بهشت» به قلم زولبیت همون، «جنگ زامبی‌ها» به قلم الکساندر همون و «توکیو» اثر نیکلاس هاک به فهرست نامزدهای اولیه جایزه گاردین راه یافته‌اند. گاردین از علاقه‌مندان به شرکت در این مسابقه خواسته است تا پایان وقت اداری دوم آگوست از طریق سایت رسمی این روزنامه برای ای گیری جایزه رمان گاردین اقدام کنند.

سر خط خبرها

- مراسم اجرای ویژه هنرمندان تئاتر «فضل شکار یادباد کبها» به کارگردانی جلال تهرانی با همکاری مرکز ملی فرش ایران و مجموعه تئاتر شهر با حضور جمع کثیری از ستارگان عرصه سینما، تئاتر، تلویزیون، ورزش و موسولان فرهنگی و هنری شامگاه شب گذشته در سالن اصلی این مجموعه برگزار شد. (اتا)
- کمال تبریزی با اشاره به تحریم حوزه هنری و عدم نمایش برخی فیلم‌ها در سینماهایاش گفت: اتفاقا این روش بیشتر فیلمسازان را از تبعیص می کند که مسیر خود را ادامه دهند تا روزی برسد که ما حوزه هنری تحریم کنیم، روزی آنقدر سینما در این کشور ساخته می‌شود که ما عنوان کنیم دیگر فیلم‌های‌مان را اگران می کنیم به شرط اینکه در سینماهای حوزه هنری روی پرده رود. (سینما)
- فریدون جیرانی - کارگردان سریال در حال پخش «تعبیر وارونه یک رویا» - از پایان تصویربرداری مجموعه‌اش طی یک هفته آینده خبر داد. (سینما)
- قلم‌نمایی لولیا «تولد ۶۵» محصول جدید مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی به کارگردانی مجید توکلی و تهیه‌کنندگی محمد مهدی عسگریور، با اتمام آخرین مراحل فنی تولید آماده‌نمایش عمومی شد. (سینما)
- اجرای نمایش «پیوند خونی» به کارگردانی هوشمند هنر کار، با ساختن یهزاد فرهانی وبه یاد مصطفی عبداللوی آغاز شد. (سینما)
- محسن شرفیغان که این روزها برای برگزاری تور کنسرت‌های گروه موسیقی «لیان» در کاتادا است، از برگزاری کنسرت این گروه در تهران پس از گذشتن به کشور خبر داد. (سینما)
- «آن رول»، رمان نویس امریکایی که داستان‌هایش را براساس وقایع جنایی واقعی می‌نوشد، در ۱۲ اسالگی گذشت. (سینما)
- سریال «عالیجناب» به نویسندگی و کارگردانی سام قربیبیان و تهیه‌کنندگی مسعود ربایی و علی حسینی در حال حاضر در مرحله انتخاب بازیگر قرار دارد و در ادامه انتخاب بازیگران خود به تازگی با سعید آقاخانی، احسان کرمی و لیلا اوتادی قرارداد بسته و طبق برنامه روزی اوایل شهریور فیلمبرداری آن آغاز می‌شود. (فارس)
- کتاب عکس منتشر در زمین» شامل ۱۰۰ قطعه عکس از عکاسان همسفر با تورهای عکاسی چلیک منتشر و دسترس همگان قرار گرفت. (ایلا)
- آلبوم «دعوت» نخستین آلبوم رسمی گروه «کاکویند» از سوی موسسه آوای هنر در بازار موسیقی کشور منتشر شد. (ایلا)
- نمایش «سپیدان اینتیشمور» و روزهای پنجشنبه (۸ مرداد) و جمعه (۹ مرداد) دو اجرا خواهد داشت. (ایلا)
- نخستین فستیوال «پودیهوای ۱۵ ثانیه‌ای اینستاگرام» توسط کارگاه سینمای آلترناتیو ایران در محیط اینستاگرام برگزار می‌شود. (ایلا)
- در گفته حامد ناصحینش کارگردان نمایش «خفته» امکان همکاری صداپیشگان انیمیشن «شکرستان» با این نمایش وجود دارد.
- علی شمس، کارگردان ایرانی قصد دارد نمایش «قلعه انسانات» و بعد از اجرا در ایران، به عنوان پایانی به ششوند داشش در موزه‌های شهر موصل عراق در موزه‌های شرقی شهر رم روى صحنه ببرد.
- الیزابت بنکس و دیان کرگور به جمع هیات داوران بخش اصلی هفتاد و دومین جشنواره فیلم ونیز پیوستند.
- سهیل نفیسی، خواننده و نوازنده صاحب سبک گیتار در تازه‌ترین کنسرتش مجموعه‌ای از پرطرفدارترین آهنگ‌های خود را اجرا خواهد کرد. کنسرت سهیل نفیسی ساعت ۲۱ روزهای ۱۶ و ۱۷ مرداد ماه سال جاری در تالار آسمان فرهنگستان هنر برگزار می‌شود.

منحنه

نفی صورت‌های تقلیدی تئاتر!

به بهانه اجرای نمایش «تخلف میز انسنیک سهراب» در تماشاخانه انتظامی – خانه هنرمندان

□ ناصر حبیبیان | بار سنگین کلبوس و درد سهراب بودن/ شدن چنان است که هیچ ساختار درامتیکی تاب تحملش را ندارد در دست مثل وزن سنگینی فجاج روزگار ما! کلام تراژدی کدام اثر کیمیک می تواند تراژیک‌تر از تصاویر سلاخی سفوف آدم‌های زنده‌ای باشد که در عراق و افغانستان و کوبانی و سوریه و در یوتیوب، روز به‌روز با پیکسل‌های ناتری بارگزاری می‌شود؟ مگر می‌شود پس از دیدن این تصاویر، نمایشی رئالیستی و تراژیک‌تر به صحنه برد؟! ایلا! جمل است! پس باید صورت‌های مضحک و ملال و انا تومی ساختار درام در قالب‌های ارسطویی- که نه ارسطویی، بلکه قرون وسطایی و منتسب به ارسطو- را به یادمان تاریخ سیرد صورت‌های تقلیدی «دوصد لعنت» دشادی که بر کشش‌های بلاهت‌وار، بحران‌هایی خرفت و تعلیق‌های دروغین و مبتذل استوارند، همار تیتا و روانشناسی شخصیت، با گوشه چشمی به فجاج انسانی معاصر و در حال رخداد، تعاریفی گونه‌نظرانه و آبکی می‌یابند! حتی باید از خطوط امن میز انسن‌های خذ کشی شده و چارچوب‌دار هم عبور کرد تا تخلف میز انسنیک‌پشت ترافیک اتونیا همدت به تابلوی روگنر «به رویاهایت ببندیش» خیره شد و تراژدی که خوش‌شانسی را در تصویر سفلی خانواده برندگان خوشبخت بانکی نظاره کرد که دسته‌جمعی به ما پوزخند می‌زنند! در ترافیکی که همزمان پدر خوش شانس دیگری با خانواده‌اش در گرمای ۴۰ درجه، با صورتی نمایشی سده‌ا از کمدی و لبخند، تو را با قال حافظ و یادکنک محاصره می‌کنند! در چنین شرایطی باید از روشن کردن کولر و لالاکشیدن بیشه‌ها خودداری کرد! تخلف میز انسنیک! باید از تصویرهای غیرمنطقی و نمایشی شده رسانه، کاتال‌های تلویزیونی مختلف، سخنرانی‌های نمایشی سازمان ملل، فتوال، اسکار و هالیوود که ما را به صورت‌های نمایشی شده از منطق، احاطه کرده‌اند عبور کرد! باید با موقعیت منطقی و دقیق خود را از ورای واقعیت‌های نمایشی شده حاضر و آماده، فهم کرد! باید پرسش بی‌مصرف و مریض «یا ما تا تاتر داریم یا نه؟» جای خود را به «یا هرایی چه تئاتر کار می‌کنیم؟» بدهد. اثبات و یا نفی اینکه «یا ما تا تاتر داریم؟!» هیچ کمکی به وضع موجود و غیرموجود نمی‌کند اما فهم وضع موجود تنها ممکن است با طرح پرسش نسبتو ما با تئاتر جای چیست، حاصل شود. تخلف میز انسنیک، یک روش برای طرح این پرسش است!

ژرار دی پاردیو سراغ جنگ جهانی دوم می‌رود

ژرار دی پاردیو، بازیگر فرانسوی قصد دارد در فیلمی به ماجرای همکاری خلبانان فرانسوی با نیروی هوایی ارتش سرخ در طول جنگ جهانی دوم بپردازد.
ایسن بازیگر در فیلم جدیدش همکاری نیروهای فرانسوی با نیروهای روس در طول جنگ جهانی دوم را به تصویر می‌کشد.

او که در سال ۲۰۱۲ تأیید روسیه را از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه دریافت کرد، می‌خواهد در این فیلم داستان هنگ نورماندی نیمان «Normandie-Nieman» یکی از دو واحد هوایی را که در جنگ جهانی دوم در کنار نیروهای روس می‌جنگیدند به تصویر بکشد.
هنگ نورماندی نیمان شامل سه

اعتماد | «می‌خواهم به بازیگری قهرمانان

سینمای خود بپردازم و این بازیگری را ضروری می‌دانم که «شب موسیقی فیلم مسعود کیمیایی» به رهبری بهزاد عبدی و خوانندگی رضا یزدانی، بهانه خوبی برای این دوباره نگری است»

این را «مسعود کیمیایی» گفت، صبح دیروز، بهانه‌اش همین موسیقی فیلم‌هایش است که قرار است اجرا شود. قطعاتی از موسیقی فیلم‌های مטרول، حکیم، رییس، سرب، مرسدن و به احتمال فراوان گروهیان، کیمیایی از این فیلم‌سازی است که به چیزهای دیگری هم مشهور است. به چیزهایی جز خود فیلم‌هایش، مثلاً به رفقت که دغدغه ثابت آثارش است. مثلاً به دیالوگ‌ها و نمادهای ثابتی که در تمامی آثارش کم و بیش دیده می‌شود. و البته موسیقی آثارش - به خصوص قبل از انقلاب‌ها- خواننده‌ها و آهنگسازانی که در این سال‌ها شناخته شدند. حالا کارگردان «قصر» از اهمیت موسیقی در دنیا، سینما می‌گوید. او البته خودش موسیقی می‌داند. همسرش هم آهنگساز بود و حالا خودش هم گهگاهی دست به پیانو می‌برد.

کارگردان کهنه‌کار می‌گوید: «موسیقی فیلم در تمام دنیا به عنوان یکی از فعالیت‌های با اهمیت فرهنگی شناخته می‌شود و ما شاهد این هستیم که در ساله در تمام دنیا بسیاری از آهنگسازان بزرگ با جمع‌آوری ار کنسرت‌های بزرگ تلاش می‌کنند تا اجراهای زنده مختلفی از موسیقی فیلم‌های خود داشته باشند. متأسفانه در کشور ما شرایط تا حدی سخت است و یک پدیده تازه، کمی در جامی افتد. ماه‌وز در اینجا دعواهای روز اول را داریم که به اعتقاد من یک نوع دعوی جهان سومی است که باید بیشتر از اینها روی آن فکر کرد.» و البته این کتابهای است به حرف‌های «سغفندیل منفرزاده» که بعد از اعلام خبر اجرای آثار، در نامه‌ای نوشت که: «آقای کیمیایی عاجزانه خواهش می‌کنم آثار من را اجرا نکنید.» پیش از این قرار بود، موسیقی فیلم‌های «ضا موتوری»، «قصر» و «هائیل اکل» نیز اجرا شود که با اعتراض آهنگسازان اجرای این قطعات حذف شد، مسعود کیمیایی اما با این‌صدد صبر با رفیق سابقش بر خورد می‌کند. می‌گوید هنوز هم او را دوست دار، برای همین «اعتراضی نمی‌کنم و فقط می‌گویم: هنر و دوستان نزدیک اسفندیلار منفرزاده هستند که به ماندن هفتنه‌ای یک بار هم با او تماس بگیرم و در جریان آحوالش باشم. به حال حال او از برگزار کنندگان کنسرت خواسته

«هنام ابوالقاسم»، روزهای پرکاری را می‌گذراند. او همین هفته قبل با «دالبیور کاروای» بداهه‌نوازی کرد و هفته بعد هم همراه با «الکساندر رودین» نوازنده چلو بداهه‌نوازی خواهد کرد. او مهمان ار کنسرت سونفونک در اجرای پیش رو است و دو شب قبل از اجرای سونفونک به اتفاق ابوالقاسم در ار کنسرت رودکی به اجرای برنامه خواهد پرداخت. این در حالی است که او کنسرت بداهه‌نوازی پیپو را در قالب پرفورمنسی با مشارکت مخاطبان اجرا خواهد کرد. این نخستین کنسرت از مجموعه‌ای است



فریدین خلعتبری *

حتی برای لبخند تو و بغض من زمان مشترک است. و حتی برای هوشیاری خروگوشان.

حتی، زمان یی-شماره و زمان به شماره یکی است. عبور سهل مستانه پروانه‌ها، در شیب گل‌های کوهستان، من غافل و تو عاقل را در یک‌دق‌می گذارانی زمانه‌با زیگوش. به گوش و هوش را همراهی نشاید، مگر به چشم مست عابر پیاده مدهوش زمانه. با چشم‌های بعد از این سه‌ماهه بارز، به ثابته و یی ثابته می‌شمارد و گوش می‌دهد که نه تختین بار از آن خود کرد.

علیرضا ریسیسان که پس از پنج سال دور بودن از سینما در جشن اکران تازه‌ترین فیلمش میزبان بازیگران، عوامل، خیسل روزنامه‌نگاران و عکاسان و برخی از همکارانش از جمله سعید سهیلی و علی سرتیپی بود به خبرنگارگ «متحد» گفت: این تنها فیلم عمیقانه امسال است. اما برای من فیلم کمدی این فضای متفاوتیتواند نظر بازیگران را به خود جلب کند. تألیفی عاشقانه‌با بازیگران دلخواه‌شان ببینند. ریسیسان در مورد پیش‌بینی‌اش برای استقبال از این فیلم گفت: فکر کنم اکران خوبی خواهد بود و از فیلم استقبال می‌شود. ر کورد نمی‌توانیم زولی استقبال خوبی خواهد شد.

که این نوازنده در نظر دارد با عنوان «این صداها در گوش تو و انگشتان من همزمان متولد می‌شوند» به برگزار کند و باید آن را تلقیق از ایده‌های آهنگساز و پرفورمنس دانست. او خودش درباره این اجرا می‌گوید: «در سال‌های اخیر بداهه‌نوازی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های من در نوازندگی بوده است. چند کنسرت بداهه در همراهی با یکی از دوستام اجرا کردیم و

موسیقی‌های او در این کنسرت اجرا کند، تصور می‌هم به خواسته او احترام می‌گذارم. ای کاش بهزاد عبدی و بر گزار کنندگان کنسرت زودتر به این دوستان تلقن می‌زدند و می‌فکندتد ماجرا از چه قرار است. من تصور می‌کنم اگر بچه‌ها زود حس می‌زدند که قرار است چنین مشکلی برای کنسرت به وجود آید قطعا زودتر تماس می‌گرفتند. البته من معتمد آنها فکر می‌کنند که بهزاد عبدی قصد دست‌درزی به آثارشان را

دارد در حالی که باید بدایتیم‌گابه‌موسیقی فیلم مسعود کیمیایی اما با این‌صدد صبر با رفیق سابقش بر خورد می‌کند. می‌گوید: هنوز هم او را دوست دار، برای همین «اعتراضی نمی‌کنم و فقط می‌گویم: هنر و دوستان نزدیک اسفندیلار منفرزاده هستند که به ماندن بسیاری دیگر از اجراها که نوازنده تمام قطعات را از پیش تمرین کرده و با این نام روی صحنه حاضر می‌شوند.» او می‌گوید هنوز نمی‌داند که

عزوبزمن را از پس سکوت دیولگان.

می‌شود. حتی زمان خیال عابر، با خنیا دوره گرد، یکی است. هوشیاری نه فصل است و نه حادثه. هوشیاری، مضرب زمان است و آدم. آهنگ است و هم آهنگی. احساس یی بدیل با هم بودن، حتی اگر نه شبیه هم، همگون زیستن.

بنواز.

یادداشت فردین خلعتبری به بهانه بداهه نوازی بیانوبهنام ابوالقاسم صدای دست‌هایت، کسی را به بعد ترها می‌برد

در کنسرت‌های آقای قربانی، نیز ساز و آواز بداهه همواره مورد استقبال مخاطبان قرار می‌گرفت و همین سن را برای عملی کردن این طرح بیشتر ترغیب کرد. اما در نظر داشتیم ار کنسرتی که به برگزاری می‌کنم کمالات به شکل بداهه باشد نه مانند بسیاری دیگر از اجراها که نوازنده تمام قطعات را از پیش تمرین کرده و با این نام روی صحنه حاضر می‌شوند.» او می‌گوید هنوز نمی‌داند که

صدای دست‌هایت، کسی را به بعدترها می‌برد به آرزوهای نهان. و کسی را به کوجه پرازنگاهای شرمگین نوجوانی. و آنکه صدای این دست‌ها، انگار می‌کند، یا کر است و یا مژانش هم شده است یا گدازش مخدوش است. اگر لحظه‌ای دم بدهش، صدای هق‌هاش شنیدنی است. مثل موسیقی. نمی‌دانم صدای دست‌هایت، تو را کجا

پیام رضایی | این روزها نشست‌های مطبوعاتی زیاد و زياتر می‌شوند که معنای آن تویست بیشتر است. هنر است. دیروز تماشاخانه بارن میزبان نشست مطبوعاتی نمایش «کافه فرانسه» به کارگردانی مهران رنجبر بود. اما به سنت نشست‌های مطبوعاتی این روزها، حاشیه‌هایی هم به همراه داشت. حمیدرضا نعیمی، بازیگر و کارگردان تئاتر که در این نمایش به عنوان بازیگر حضور دارد طبق معمول حرف‌هایی زد که احتمالا واکنش‌هایی را در پی خواهد داشت. حرف‌هایی که روی آنها بیاناتی حاشیه‌ای بود. مهران رنجبر، کارگردان این اثر با اشاره به اینکه نمایشش انسانی است و نه سیاسی از داستان‌ارش گفت: «این اثر نمایشی که فالتزی و گروتسک است داستان خود فردی را روایت می‌کند که سال‌ها در پاریس زندگی می‌کند و در حالی که روی توالث فرنگی نشست‌اند و روزنامه به دست دارند درباره مسائل مختلف صحبت می‌کنند. یکی از دو کاراکتر نمایش، مرد دیگری حشمت نام دارد که بر اثر زندگی و کار یک کشور خاص نامشان به مونواکو و لیان تغییر پیدا کرده‌است.» وی همچنین اثرش را یک نقد اجتماعی دانست. ««کافه فرانسه» نقد اجتماعی نسبت به فضای شبه‌روشنفکری که در ایران به وجود آمده و من برای دیده شدن این اثر از بازیگر سوپر استار سینما در نمایشنامه‌ام استفاده نکردم.» رنجبر البته جملاتی هم گفت که مشخص نبود دقیقاً لیلی فرهادپور اشاره کرد.

اسکاداران از نیروی هوایی فرانسه بود که در سال ۱۹۴۳ شکل گرفت. اسکاداران هوایی انگلیس نیز در این جنگ در دفاع از مسکو با نیروهای روسیه همکاری می‌کرد. ژرار دی پاردیو در برنامه‌ای که در شبکه تلویزیونی بلاروس ۱ داشت در این باره گفت: پروژه نورماندی نیمان براساس خاطرات بازماندگان این جنگ در جبهه شرقی از جمله خاطرات و نوشته‌های ژنرال دو گل خواهد بود و سعی می‌کنم در این فیلم واقعیت و داستان‌های حقیقی درباره این هنگ را به تصویر بکشم.



مسعود کیمیایی:دعواهای‌مان هم جهان سومی است

ما می‌داند که موسیقی فیلم در ایران از جایگاه بسیار ارزنده‌ای برخوردار است. ما باید بدایتیم از راهی در موسیقی فیلم وجود دارد که در زمان خوش ممکن است پنهان ماند اما بعدها همین موسیقی می‌تواند شناسنامه یک اثر محسوب شود. به هر حال او کار بسیار خوبی را انجام داده است. من هم در این کنسرت فقط یک مهمان هستم و حالا نمی‌دانم قرار است چه اتفاقی بیفتد. کیمیایی در بخش دیگری از صحبت‌های خود بیان کرد: «من اصرار داشتم که خواننده‌ای در این کنسرت حضور نداشته باشد و آن به جهت مقایسه‌ای بود که احتمالا داشته‌ایم. من برای بداهه‌نوازی و موسیقی فیلم «مטרول» به «فوتی برای صدای شدم. دانش موسیقایی او توجه‌م را جلب کرد. و رییس کارهایش چون «مترول»، «حکم» و «رییس

را که پس از انقلاب اجرا شده و خود، خواننده آن بوده را بخواند و اجرا کنند.» در این میان اما «ضایزدانی» خواننده‌این کنسرت می‌گوید: «سال‌های زیادی است که با کارگردان‌های زیادی کار می‌کنم؛ ولسی قطعا حضور در فیلم‌های مسعود کیمیایی با فاصله زیادی از سایر هنرمندان برای من دارای جذابیت فراوانی بوده که امیدوارم تا سال‌ها حضورشان در سر سینما مستمر باشد. حضور بهزاد عبدی در این کنسرت به عنوان رهبر ار کنسرت اتفاق بسیار خوبی است. او درک درستی از مقوله ار کنسرت دارد که نمونه‌اش موسیقی سریال «تعبیر یک رویاست» که در اعتقاد من اتفاق بزرگی برای پروژهای را با همراهی «علیرضا قربانی» در دست دارد که احتمالا در همین تابستان اجرا خواهد شد. آنسامیل کوچکی قربانی

را می‌پوبد و کسی را تحلیل درچه گامی که درآنی و چگونگی چند صداییات. و آنکه صدای این دست‌ها، انگار می‌کند، یا کر است و یا مژانش هم شده است یا گدازش مخدوش است. اگر لحظه‌ای دم بدهش، صدای هق‌هاش شنیدنی است. مثل موسیقی. نمی‌دانم صدای دست‌هایت، تو را کجا

می‌برند؟ به کدام خاطر پریشان و یا کدام ساحل با کدام نقش ماسه‌ای؟ نمی‌دانم دست‌هایت، جو کدام عبورند؟ نمی‌دانم صدا از کجای می‌آید. نمی‌دانم حتی می‌دانی یا نه؟ بنواز و بغین بدار که نت‌هایت، پیش از اینکه مال تو باشند، قباله خاطر منند. با چشم‌های باز با چشم‌های بسته. **آهنگساز**

را می‌پوبد و کسی را تحلیل درچه گامی که درآنی و چگونگی چند صداییات. و آنکه صدای این دست‌ها، انگار می‌کند، یا کر است و یا مژانش هم شده است یا گدازش مخدوش است. اگر لحظه‌ای دم بدهش، صدای هق‌هاش شنیدنی است. مثل موسیقی. نمی‌دانم صدای دست‌هایت، تو را کجا

به چه چیزی نقد دارد. «ها» در این نمایش تلنگری به افرادی وارد می‌کنیم که ۲۰ سال در پاریس زندگی کرده‌اند ولی همچنان ذهن و رفتارشان همچون افرادی است که در ایران هستند.» ایدآ با پرور هم به عنوان یکی از بازیگران این نمایش با اشاره به اینکه «کافه فرانسه» نوع خاصی از فالتزی را به آوج رسانده گفت: «مهران رنجبر نمایشنامه این اثر را در سال ۱۳۸۷ به نگارش در آورده که با یکسری تغییرات امسال روی صحنه خواهد رفت. این تغییرات به شدت فضای خاص و جذابی برای من بهم کرده‌است. حامتی در ابتدای حرف‌هایش گفت: «دو کارگردان‌های ما کارگردان به روزی که گویی او کار خانه بازیگر سازی دارد. اما شاید ناخوشایندترین بخش این حرف‌ها در برخورد جنسیتی با این موضوع باشد. به آشپزخانه پناه بردن عبارتی نیست که کسی چه نوعی یا همه شبانه آن را به کار ببرد و بعد من نتیجه بگیرد که ممکن است چنان کار با بازیگر سخت شود که او به آشپزخانه پناه ببرد. شان فرهنگ و هنر چنین شانی نیست.



من در این کنسرت قرار است سه کار «رییس»، «حکم» و «مترول» را بخوانم که امیدوارم این کنسرت مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. اما چه اشکالی دارد اگر خواننده‌ای در قید حیات نیست، بار دیگر کارهای او را بازسازی کنیم؟ به اعتقاد من اگر درگیر این دعواها نبودیم اتفاقات بهتری می‌افتاد و من آهنگ «ضاموتوری» را بازخوانی می‌کردم. بدون شک من بهترین خواننده در ایران هستم که می‌توانم کارهای فرهاد ابا سزانی کنم.»

بهزاد عبدی رهبر ار کنسرت کنسرت «شب موسیقی فیلم مسعود کیمیایی» در این نشست خبری به علت انتخاب آثار کیمیایی اشاره کرد: «من موسیقی فیلم را دوست دارم ضمن اینکه همواره در کارهایم علاقه خود را به کارهای ار کنستال نشان دادم. از سوی دیگر، موسیقی آثار کیمیایی نیز برایم جذاب بوده و هست و او را نقطه عطفی در ارسن رزمینه می‌دانم. چراکه کیمیایی، نخستین کسی است که سفارش می‌دهد تا برای کارهایش، موسیقی بسازند. به همین جهت دوست داشتم این موسیقی به گوش مردم برسد بنابراین ملودی فیلم‌های آقای کیمیایی را که بسیاری از هنرمندان شایسته موسیقی این سرزمین ساخته‌اند استخراج کردم و آن را تبدیل به قطعاتی برای ار کنسرت بزرگ کردم. یعنی تنظیم قطعات تازه است. خاصیت فیلم‌های کیمیایی این است که موسیقی در آن حل می‌شود و این به خاطر تسلطی است که او به موسیقی دارد. او به خوبی به تم، ملودی و بسیاری از مواردی که به موسیقی ارتباط پیدا می‌کند تسلط دارد و این نکته بسیار خوبی است که همواره برای من ارزشمند بوده است. مسعود کیمیایی نخستین کارگردان سینمای ایران است که برای تیتراژ فیلم‌های خود به خواننده و آهنگساز سفارش می‌داد.»

علی شجاعی، تهیه‌کننده این کنسرت و مدیر موسسه «آوای گلچین شرق» هم در پاسخ به اینکه بهزاد عبدی، پیش از این مطرح موسیقی فیلم‌های اسفندیلار منفرزاده گذشته و قانون کپی‌رایت، شامل آن نمی‌شود، پس اگر تهیه‌کننده موافقت کند مشکلی با اجرای دوباره آن وجود ندارد، گفت: «من پیرو تصمیمی هستم که استاد مسعود کیمیایی و عبدی می‌گیرند این دومی را گویند، به حرمت هنرمندی چون منفرزاده، کارها را اجرا نمی‌کنیم. من هم گفته آنان را می‌پذیرم. مسمن اینکه هنوز امیدواریم این آهنگساز باسابقه با اجرای کارهایش موافقت کند.»

در این اجرا همراهی خواهد کرد و در آن قطعاتی از ساخته‌های ابوالقاسم و چند قطعه از آهنگسازان دیگر اجرا شود. ابوالقاسم می‌گوید این کنسرت نیز اجرایی متفاوت از این خواننده خواهد بود. البته این کنسرت، اجرایی متداول در بداهه‌نوازی نیست و ابوالقاسم از همراهی مخاطبانش در اجرای این قطعه بهره خواهد گرفت. خودش در این باره توضیح می‌دهد: «در طول اجرا از چهار نفر از مخاطبان می‌خواهم تا چندت را به صورت اتفاقی بنوازند و من قطعه را بر اساس آن خواهم نواخت.»

می‌برند؟ به کدام خاطر پریشان و یا کدام ساحل با کدام نقش ماسه‌ای؟ نمی‌دانم دست‌هایت، جو کدام عبورند؟ نمی‌دانم صدا از کجای می‌آید. نمی‌دانم حتی می‌دانی یا نه؟ بنواز و بغین بدار که نت‌هایت، پیش از اینکه مال تو باشند، قباله خاطر منند. با چشم‌های باز با چشم‌های بسته. **آهنگساز**

نمایش

در نشست مطبوعاتی «کافه فرانسه» مطرح شد

حمیدرضا نعیمی: کاری می‌کنم به آشپز خانه پناه ببرد!

مقوله بازیگری تئاتر باشند» اما وی اشاره‌ای به حرف‌های چندی پیش الیا حامتی داشت که نوشته خبری نمایش اسم به کارگردانی لیلی رشیدی گفته بود «هنرمند سینما با فاصله از بازیگری در تئاتر قرار دارد.» نعیمی بدون ذکر نام حامتی گفت: «ار کارداید بیاید و بازیگر من نشوید، مطمئن هستم به آشپزخانه پناه خواهید برد! الحق نقش زنی در نمایش‌ها به بازیگر می‌شود. او را بازیگر می‌نامند. این بازیگران این نمایش با اشاره به اینکه «کافه فرانسه» نوع خاصی از فالتزی را به آوج رسانده گفت: «مهران رنجبر نمایشنامه این اثر را در سال ۱۳۸۷ به نگارش در آورده که با یکسری تغییرات امسال روی صحنه خواهد رفت. این تغییرات به شدت فضای خاص و جذابی برای من بهم کرده‌است. حامتی در ابتدای حرف‌هایش گفت: «دو کارگردان‌های ما کارگردان به روزی که گویی او کار خانه بازیگر سازی دارد. اما شاید ناخوشایندترین بخش این حرف‌ها در برخورد جنسیتی با این موضوع باشد. به آشپزخانه پناه بردن عبارتی نیست که کسی چه نوعی یا همه شبانه آن را به کار ببرد و بعد من نتیجه بگیرد که ممکن است چنان کار با بازیگر سخت شود که او به آشپزخانه پناه ببرد. شان فرهنگ و هنر چنین شانی نیست.



به چه چیزی نقد دارد. «ها» در این نمایش تلنگری به افرادی وارد می‌کنیم که ۲۰ سال در پاریس زندگی کرده‌اند ولی همچنان ذهن و رفتارشان همچون افرادی است که در ایران هستند.» ایدآ با پرور هم به عنوان یکی از بازیگران این نمایش با اشاره به اینکه «کافه فرانسه» نوع خاصی از فالتزی را به آوج رسانده گفت: «مهران رنجبر نمایشنامه این اثر را در سال ۱۳۸۷ به نگارش در آورده که با یکسری تغییرات امسال روی صحنه خواهد رفت. این تغییرات به شدت فضای خاص و جذابی برای من بهم کرده‌است. حامتی در ابتدای حرف‌هایش گفت: «دو کارگردان‌های ما کارگردان به روزی که گویی او کار خانه بازیگر سازی دارد. اما شاید ناخوشایندترین بخش این حرف‌ها در برخورد جنسیتی با این موضوع باشد. به آشپزخانه پناه بردن عبارتی نیست که کسی چه نوعی یا همه شبانه آن را به کار ببرد و بعد من نتیجه بگیرد که ممکن است چنان کار با بازیگر سخت شود که او به آشپزخانه پناه ببرد. شان فرهنگ و هنر چنین شانی نیست.